

اعلامیه شماره ۱ حزب حکمتیست

"نه" به جنگ ارتجاعی دولتهای تروریستی!

قطع جنگ، بیدرنگ!

صفحه ۳

اعلامیه شماره ۲ حزب حکمتیست

حمله به اماکن مسکونی و کشتار غیر نظامیان محکوم است

نتانیاها و خامنه ای هر دو قاتل مردم بیدفاع اند

صفحه ۴

از میان اسناد مصوب کنگره یازدهم حزب حکمتیست

خاورمیانه "نوین"، خاورمیانه خونین

صفحه ۵

اهداف جنگ دولتهای تروریستی

مبانی سیاست کمونیسم کارگری

صفحه ۶

سیاوش دانشور

سناریوی سیاه، نسخه تقوایی: کودکان زیر آوار،

"فضای مساعد انقلاب!"

صفحه ۸

علی جوادی

باید این جنگ ارتجاعی و تروریسم هوائی فوراً خاتمه یابد!

صفحه ۱۰

جمال کمانگر

مانیفست همبستگی و همدردی انسانی در جنگ

برای مردم، توسط مردم

صفحه ۱۱

هیئتی از دفتر بین المللی حزب حکمتیست در کنفرانس

بین المللی علیه جنگ های امپریالیستی شرکت کرد

صفحه ۱۲

گزارشات مبارزات کارگری و دیگر

جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: حیات الماسی و اوین رضایی

صفحه ۱۴

دولتهای تروریست، در جنگ با هم!

امیر عسگری

صفحه ۱۳

۸۰۷

مفصلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۳۰ خرداد ۱۴۰۴ - ۲۰ ژوئن ۲۰۲۵

فراخوان حزب حکمتیست

علیه جنگ ارتجاعی و مصائب

آن متشکل شویم

نهادهای همیاری را در شهر و

محله و محل کار وزیست ایجاد

کنیم

کارگران، مردم آزادیخواه!

جنگی که روز جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ برابر ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ با نقشه مشترک فاشیستهای حاکم بر اسرائیل و آمریکا و با دستور مستقیم نتانیاھوی جلاد آغاز شده است، تماماً جنایتکارانه و تبهکارانه است. برخلاف پروپاگاندا و وارونه دولتهای فاشیست اسرائیل و آمریکا و سرسپردگان دست راستی آنها در اپوزیسیون ایران، هدف این جنگ نه صرفاً علیه جمهوری اسلامی و سران جنایتکاران، (که خود با سیاستهای جنگ طلبانه ۴۶ ساله اخیر از عاملین جنگ و تروریسم در منطقه هستند)، بلکه همزمان علیه منافع برحق توده های مردم در ایران و اسرائیل و منطقه و آشکارا علیه اهداف جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی و انقلابی علیه جمهوری اسلامی است. این جنگ در خدمت تکمیل و تحمیل قطعی نقشه "خاورمیانه بزرگ" ارتجاعی با فعال مابشائی حکومت اسرائیل و قلدری جهانی آمریکا است. همانطور که تاکنون تأکید کرده ایم این جنگ از هر سو تماماً ارتجاعی است. لذا شعار "توقف جنگ، بیدرنگ" را همه جا باید به سرلوحه جنبش ضد این جنگ ویرانگر تبدیل کرد.

این جنگ تحمیل شده در همین

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فراخوان حزب حکمتیست

علیه جنگ ارتجاعی و مصائب آن متشکل

شویم

نهادهای همیاری را در شهر و محله و محل کار

وزیست ایجاد کنیم...

هفته اول مصائب فراوان در ایران و اسرائیل و منطقه ببار آورده است. طبق اطلاعات رسانه های موجب بگير خودشان، تلفات مردم سیویل طی بمبارانهای ارتش اسرائیل و موشک پراکنی متقابل جمهوری اسلامی در دو کشور بسیار بالا است. گرانی و فشار معیشتی و ناآمنی در ایران گسترش یافته است. در بسیاری از شهرها شیرازه اداره امور به هم ریخته، بخشی از مردم تهران و شهرهای دیگر آواره شده اند. دولت جنایتکار جمهوری اسلامی پاسخگوی حداقل نیازهای مردم نیست. شواهد اولیه نشان میدهد بار دیگر در این شرایط سخت همدلی و همبستگی انسانی مردم با هم رویداد امیدبخش است. مردم به یاری هم میروند و این اقدامی انسانی و مؤثر است.

علیه جنگ ارتجاعی و مصائب آن متحد و متشکل شویم!

ادامه هر روزه این جنگ رنج و مصائب را افزایش میدهد. برای مقابله با این مخاطرات مردم را به اتحاد و همبستگی و تشکل حول وظایف زیر فرامیخوانیم.

الف - آگاهگری

در تقابل با پروپاگاندا دروغین و فریبکارانه و خرافی سردمداران و طرفین درگیر این جنگ جنایتکارانه، همصدا و هماهنگ و متحد لازمست اهداف ضد انسانی و ضد مردمی این جنگ را افشا کرد. ادعاهای پوچ "کمک به مردم ایران برای عبور از رژیم" توسط دولتهای جنایتکار اسرائیل و آمریکا و همپالگیها و رسانه هایشان را باید رسوا کرد. هر سطح از ایجاد توهم پوچ در این زمینه را خنثی کرد. به علاوه پروپاگاندا ناسیونالیستی خرافی جمهوری اسلامی "دفاع از مردم و میهن و نظام" را افشا کرد. به ویژه و قاطعانه اعلام کنیم، ما مردم ایران علیه جنگ و طرحهای ارتجاعی از نوع "سوریه ای کردن و عراقیزه کردن" ایران هستیم. علیه تحمیل سناریوی سیاه و طرحهای پوچ "رژیم چنچی" آنها هستیم. اعلام کنیم، "الترناتیو تراشی قلابی دست راستی" را به شکست میکشانیم. اپوزیسیون راست پرو غرب ارتجاعی را بیش از پیش منزوی میکنیم. اعلام کنیم طرحهای از بالای سر مردم محکوم به شکستند و اراده آگاهانه و سازمان یافته ما کارگران و مردم سرنوشت جامعه را رقم میزنند.

ب- سازمانگری و ایجاد نهادهای همیاری را گسترش دهیم

در این شرایط سخت باید سازمان یافته عمل کنیم. برای مقابله با مصائب تحمیلی به نیروی متحد و متشکل نیازمندیم. برای یاری رسانی به هم، شبکه ها و کمیته ها و نهادهای همیاری را در هر محله و شهر و محل کار و زیست سازمان دهیم. با اتکا به نهادهای همیاری مردمی، نیازمندیها و مایحتاج روزمره را برای مردم محله و شهر و منطقه صدمه دیده جنگی تأمین کنیم. به استقبال آوارگان جنگی بشتابیم. آنها را در کنار خود اسکان دهیم. معالجه زخمی ها و صدمه دیدگان را پیگیری کنیم و ...

ج- واحدهای تأمین امنیت مردم را ایجاد کنیم

در شرایط جنگ، گسترش ناامنی در جامعه، در سطح شهر و محله و در اماکن و محل زیست مردم از پدیده های آزاردهنده است. نیروی

نظامی و سرکوبگر جمهوری اسلامی خود سرمنشأ و تشدید کننده ناامنی هستند. مبتکرانه واحدهای تأمین امنیت مردم، واحدهای دفاع از خود را هر جا که ضرورت دارد، در محله و شهر و محل کار و هر منطقه که لازم است ایجاد کنیم. جوانان متعهد و پرشور میتوانند ستون محکم واحدهای دفاع از امنیت مردم باشند.

د- برای به دست گرفتن اداره امور و کنترل اوضاع آماده باشیم
گسترش این جنگ و ضربه خوردن بیشتر رژیم اسلامی، احتمالاً به از دست رفتن کنترل جمهوری اسلامی و نیروهای نظامی و اداری آن بر اوضاع منجر شود. ممکن است خلاء اداره امور و حاکمیت در مناطق و شهرهایی عملاً به وجود بیاید. از هم اکنون و برای چنین موقعیتی باید چاره جویی کرد. در چنین شرایطی نباید گذاشت شیرازه اداره امور و روال طبیعی زندگی مردم در شهر و محله و منطقه از هم بپاشد. ارگانهای اعمال اراده مردم با دخالت مستقیم شهروندان را باید سازمان دهیم. در چنان شرایطی سازماندهی شوراهای و عملی کردن اداره شورایی الترناتیو مهم و واقعی است. به دست گرفتن اوضاع و سازماندهی اعمال اراده مردم توسط شوراهای خود گام مهم و تعیین کننده در راستای پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی و کمک به سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی است.

زنده باد نهادهای همیاری مردم
"نه" به جنگ ارتجاعی دولتهای تروریستی!
قطع جنگ، بیدارنگ!
آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۹ خرداد ۱۴۰۴ - ۱۹ ژوئن ۲۰۲۵



مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعتراضی نامساعد میکند. سیاست آمریکا و غرب سرنگونی جمهوری اسلامی نیست، اگر هم بود مطلوب نبود. بعلاوه، مصائب جنگ همواره بیشتر از امکانات احتمالی آنست.

یک محور سیاست ما نقد و افشای بلوکهای مختلف طرفدار این یا آنسوی جنگ جاری از موضع مستقل طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی و سوسیالیستی است. بلوک مدافع حمله نظامی بمثابه مونتلف سیاسی و بوقچی ارتش اسرائیل و آمریکا. سلطنت طلبان، بخشهایی از جمهوریخواهان و ناسیونالیستها و فدرالیستهای قومی، مجاهدین خلق و هواداران بانک جهانی از این زمره اند. این طیف "آزادی" را در بمب های ناتو و اسرائیل جستجو میکنند و روی دوش ویرانی جامعه و قیچی کردن مردم از سیاست، نزدیک شدن به قدرت را در سر میپرووراندند. بلوک دیگر رگه های مختلف ناسیونال شوونیسم است که با عبارت "در دفاع از میهن" در کنار جمهوری اسلامی ایستاده اند. طیف روسوفیل از هواداران سابق سرمایه داری دولتی در بلوک شرق تا هواداران کنونی روسیه و چین، نیروهای مرتجع محور مقاومتی که علناً و رسماً از جمهوری اسلامی دفاع میکنند. این دو بلوک

طرفدار یکسوی جنگ اند و اردوی ما مخالف کل آن. بلوک ما نماینده انسانیت و تمدن و پرچمدار سرنگونی جمهوری اسلامی و انقلاب کارگری علیه سرمایه داری است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همان اهدافی را در دوره جنگ دنبال میکند که قبل از جنگ دنبال می کرد. جنگ اهداف جنبش ما را تغییر نمیدهد بلکه شرایط کار ما را ناهموار و عوض میکند. سیاست ما علیه پروپاگاندا جنگی و علیه اهداف این جنگ تروریستی است. این جنگ ما و طبقه کارگر نیست، جنگ ما زنان و نسل جوان نیست، کارگران و مردم در ایران و اسرائیل هیچ منفعتی در آن ندارند. سیاست محوری حزب حکمتیست در دوره جنگ، مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تلاش برای به شکست کشاندن افق ارتجاعی "نظم نوین خاورمیانه" و معماران جنگ و تروریسم و نسل کشی است. کمونیست ها و طبقه کارگر در کشورهای منطقه و جهان ضروری است در مقابل افق بورژوازی نظم ارتجاعی خاورمیانه، بر انترناسیونالیسم و همبستگی طبقاتی کارگران در منطقه و بویژه در ایران و اسرائیل، بر بیدار کشیدن صفوف سکولار و سوسیالیست در خاورمیانه برای یک همزیستی پایدار، بر سرنگونی دولتهای استبدادی و مذهبی و اسلامی، بر حمایت از مبارزه انقلابی در ایران و بر حل فوری مسئله فلسطین تاکید کنند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در دوره جنگ بیش از هر زمان بر منفعت مستقل طبقه کارگر و اهداف ضد کاپیتالیستی تاکید دارد. در این دوره پاسخ به الزامات محوری مبارزه طبقاتی، گسترش فعالیتها مؤثر در راستای اتحاد و همبستگی و متشکل شدن هر چه بیشتر صفوف جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال و درک شرایط جدید برای امکان عمل انقلابی، آمادگی برای دست بردن به هر اقدامی که نیاز زمانه و شرط تقویت دفاع از خود جامعه و جنبش انقلابی است، از وظایف کمونیست هاست. جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، اردوی آزادی و برابری، نه در اهداف جنگ، نه در صفوف دولتهای تروریست درگیر جنگ و نه در سیاست مونتلفین آنها شریک نیست. ما علیه همه آنها هستیم و سرنگونی جمهوری اسلامی و حاکمیت بورژوازی و انقلاب کارگری را تنها پاسخ جامع به این اوضاع میدانیم.

سیاست ما شفاف و صریح علیه تبلیغات جنگ طلبانه و شوونیستی و ناسیونالیستی و علیه سیاست دفاع از حکومت اسلامی است. سیاست انترناسیونالیستی کارگری علیه جنگ و تروریسم دولتی و نیروهای تروریست، سیاستی در دفاع از همسرنوشتی کارگران

"نه" به جنگ ارتجاعی دولتهای

تروریستی!

قطع جنگ، بیدرنگ!

با حمله نظامی گسترده بامداد روز جمعه ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ ارتش اسرائیل به مراکز و عناصر رژیم اسلامی، فصل جدیدی از تشدید تقابل سیاسی و نظامی دولتهای تروریست اسرائیل و جمهوری اسلامی آغاز شد. سیر تحولات و کشمکش جاری در منطقه، تقلا قطب تروریستی حکومتهای آمریکا، اسرائیل برای تکمیل و تحمیل نقشه ارتجاعی "خاورمیانه جدید" در شرایط زمزمه بن بست یا شکست مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی، پنجره ای را برای اعمال فشار و هجوم نظامی ارتش اسرائیل با حمایت و هماهنگی همیشگی دولت آمریکا باز کرد. از جمله اهداف این اقدام نظامی اعمال فشار به رژیم اسلامی برای به تمکین کشاندن و رسیدن به توافق است. دولت فاشیست نتانیاهو و ارتش اسرائیل از این فرصت استفاده کرد، در عملیاتیهای پشت سرهم در تهران و شهرهای ایران، به سیستمهای دفاع هوایی، سایت های هسته ای، پادگانها و مراکز دفاعی و نظامی، انبارهای موشکی، پایگاه ها و اماکن تعدادی از فرماندهان ارتش و سپاه حمله کرد. علاوه بر نابودی جدی بسیاری از اهداف بمباران شده، لایه ای از فرماندهان ارشد نظامی و افراد متخصص رژیم در پروژه هسته ای کشته شدند. بنا به اخبار تأیید نشده، از مردم عادی در شهرهای مختلف بویژه تهران، بیش از ۷۰ نفر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شدند. همراه با حمله نظامی، احتمال برگزاری دور ششم مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی روز یکشنبه هفته جاری با ابهام جدی روبرو است. در وضعیت کنونی جمهوری اسلامی یا تسلیم میشود و توافق صورت میگیرد و یا ادامه اقدامات نظامی و جنگ و تحریمها اوضاع را پیچیده تر خواهد کرد.

کشمکش نظامی دولتهای اسرائیل با همکاری آمریکا و جمهوری اسلامی ماهیتاً یک جنگ تروریستی با اهداف ارتجاعی است. آنچه که "نظم نوین خاورمیانه" عنوان میشود، بازسازی ارتجاعی و فاشیستی خاورمیانه است که طلیعه خونین آنرا در نسل کشی و مجازات جمعی مردم فلسطین، در آوارگی میلیونی و کشتار مردم عادی لبنان، در گسترش تروریسم و میلتراریسم در منطقه، در سناریوی سوریه، در حمله به ایران، در تثبیت صریح ترین تبلیغات و ادبیات فاشیستی در رسانه های بستر رسمی دیده ایم. هدف تحمیل یک تناسب قوای جدید در ترتیبات سیاسی و امنیتی خاورمیانه در چهارچوب وسیعتر معادلات قدرت بلوک بندیهای جهانی در منطقه است.

این جنگ، اهداف طرفین جنگ، ارتجاعی و ضد انسانی است. ما مخالف این جنگیم، ما مخالف گسترش میلتراریسم و تروریسم هستیم، ما مخالف دورنمای ارتجاعی «نظم نوین خاورمیانه» هستیم، ما مخالف جنبش اسلام سیاسی و یک نیروی فعال سرنگونی جمهوری اسلامی هستیم، ما از منظر آزادیخواهی سوسیالیستی و دفاع از امنیت و زندگی مردم، بدلیل فرصتهایی که جنگ برای نیروهای سناریوی سیاهی ایجاد میکند، مخالف قاطع این جنگ ارتجاعی هستیم و بر شعار «قطع جنگ، بیدرنگ!» تاکید داریم.

ما مخالف سیاستهایی هستیم که جنگ را درپچه «آزادی و خلاصی مردم از جمهوری اسلامی» قلمداد میکنند. از تبعات جنگ از جمله اینست که شرایط را برای جنبش انقلابی و مبارزه جنبشهای

اعلامیه شماره ۱ حزب حکمتیست

"نه" به جنگ ارتجاعی دولتهای

تروریستی!

قطع جنگ، بیدرنگ!...

در منطقه و جهان، مسئول در مقابل کارکرد ضد مردمی دستجات آوانتوریست و سناریوی سیاهی که چنین اوضاعی شرایط خوبی برای رشد آنهاست، آمادگی برای مواجهه با هر خلا قدرتی که ممکن است در هر مقطع رخ بدهد و پر کردن آن با قدرت مستقیم کارگری و انقلابی است.

فراخوان ما به طبقه کارگر و مردم آزادیخواه جهان اینست که علیه جنگ تروریستها، جنگ و تروریسم جاری در خاورمیانه با فعال مایشائی دولت اسرائیل مورد حمایت آمریکا، علیه جنگ ارتجاعی جاری در ایران و در دفاع از مبارزه مردم و تقویت مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بمیدان بیایید.

علیه تروریسم دولتی، علیه تروریسم اسلامی!

مرگ پر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۴ ژوئن ۲۰۲۵ - ۲۴ خرداد ۱۴۰۴



اعلامیه شماره ۲ حزب حکمتیست

حمله به اماکن مسکونی و کشتار غیر

نظامیان محکوم است

نتانیاهو و خامنه ای هر دو قاتل مردم بیدفاع اند

طی حملات موشکی و بمباران رژیم جنایتکار اسرائیل تاکنون صدها نفر کشته و هزاران نفر مصدوم شدند. بجز مواردی که هدف فرماندهان رژیم در محل مسکونی بودند، عمده کشته و زخمی ها نه افراد و نیروهای رژیم که غیر نظامیان و مردم عادی بودند. در حملات وحشیانه ارتش اسرائیل انبارهای آب و پالایشگاههای نفت و گاز و تاسیسات و زیرساختهای جامعه مورد هدف قرار گرفتند. آنها حتی وعده "تبدیل تهران به غزه" را میدهند. نتانیاهو قاتل مردم غزه امروز به قاتل مردم ایران هم تبدیل شده است. خامنه ای و جمهوری اسلامی هم دقیقاً سیاست نتانیاهو را دنبال میکند. موشک باران شهرها و مناطق مسکونی و ابراز خوشحالی از کشته و زخمی شدن مردم عادی و غیر نظامی. در حملات جمهوری اسلامی به اسرائیل طبق آمارهای تاکنونی دهها نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند. در اسرائیل میشود به پناهگاه رفت، در ایران حتی پناهگاه وجود ندارد. نتانیاهو و خامنه ای از یک سنخ اند، هر دو تشنه به خون افراد بیدفاع اند و هر دو کارنامه قطوری از جنایت و نسل کشی دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست حمله ارتشهای اسرائیل و جمهوری اسلامی به بیمارستان و تاسیسات زیرساختی و اماکن و افراد غیر نظامی را قویاً محکوم میکند. ما علیه این جنگ ارتجاعی و خواهان قطع بیدرنگ آن هستیم. اگر فاشیست های اسلامی و یهودی بمب هایشان را بر سر هم میکوبیدند، با هیچ اعتراضی از جانب ما کمونیست کارگریها روبرو نمیشد. آنها به هر بهانه و توجیهی، آگاهانه علیه مردم بیدفاع دست به جنایت میزنند و از این توحش خود مسرورند. کشتن کودکان و بیماران و افراد غیر نظامی "تلفات و هزینه جانبی" نیست، قتل عمد است، توحش و حس خونخواری است، از نفرت مذهبی برمیخیزد و ارتکاب جنایت آگاهانه است. پرونده جنایات جنگی روزی در کنار دیگر پرونده های جنایت ورق خواهد خورد.

نتانیاهو و خامنه ای جنایتکار باید محاکمه شوند!
سرنگون باد دولتهای اسلامی و مذهبی و استبدادی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۷ ژوئن ۲۰۲۵ - ۲۷ خرداد ۱۴۰۴

اسلام و اسلام زدایی

منصور حکمت ژانویه ۱۹۹۹

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیرازآن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب برکیل مرتکبش گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است.

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

از میان اسناد مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست

بخشی از بیانیه:

آینده جهان، خطر فاشیسم و مبرمیت انقلاب کارگری

خاورمیانه "نوین"، خاورمیانه خونین

اوج گیری تروریسم و جنگ بعد از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ در اسرائیل و فلسطین و به دنبال آن نسل کشی حکومت فاشیستی اسرائیل در غزه نمادی از آشفتگی و توحش در جهان امروز بود. در صد ساله اخیر خاورمیانه همواره یکی از کانونهای بحرانی تشدید استثمار و ستم و اشغالگری و جنگ و کشتار به ویژه علیه مردم فلسطین بوده است. این شرایط دردناک در خاورمیانه خود محصول دو پدیده زشت ضد انسانی است. الف: ستم و اشغالگری و نسل کشی علیه مردم فلسطین ب: شکاف عمیق فقر و ثروت در منطقه، یعنی از یک سو محرومیت اکثریت عظیم مردم این منطقه از ابتدایی ترین حقوق معیشتی، اجتماعی و سیاسی و از سوی دیگر، انباشته شدن ثروتهای افسانه ای در دست اقلیت مرتجع حاکمان مستبد و دولت‌های فاسد. اینها هردو محصول سیطره سرمایه داری و دخالت‌ها و رقابت‌های قدرتهای امپریالیستی در این منطقه است. نسل کشی مردم فلسطین و سر باز زدن از برسمیت شناسی حقوق اولیه این مردم در قالب تشکیل دولت مستقل فلسطینی حتی طبق قرارداد "اسلوی منعقد شده در سال ۱۹۹۳ میلادی" بین طرفین، اکنون پلاتفرم عملی هیئت حاکمه فاشیست اسرائیل است. بریستر این کشمکش دیرینه و لاینحل ماندن حقوق حقه مردم فلسطین، در مقابل تروریسم دولتی اسرائیل - آمریکا، تروریسم اسلامی همانند حماس و جهاد در فلسطین میداندار شدند. اقدامات تروریستی آنها با حمایت جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در مسیر حل مسئله فلسطین نبوده، بلکه در ضدیت با منافع مردم رنج کشیده فلسطین و عملاً بن بست بیشتری را به حل مسئله فلسطین تحمیل کرده است. با دست بالا پیداکردن راست افراطی مذهبی - قومی اسرائیل در دوره شارون و سپس نتانیاهو و همزمان میداندار شدن گروههای تروریستی در غزه (حماس و جهاد اسلامی) پروسه اجرایی کردن قرارداد "اسلوی" و تشکیل دولت فلسطینی عملاً نقش بر آب شد. این وضعیت به تداوم اشغالگری و کشتار و بن بست طولانی برسر مسئله فلسطین تبدیل شد. در بطن این شرایط نامساعد رویداد هفتم اکتبر ۲۰۲۳ اتفاق افتاد.

فاشیسم حاکم بر اسرائیل و دولت نتانیاهوی متکی به حمایت آمریکا به مثابه غنیمت اهدایی حرکت تروریستی هفتم اکتبر حماس- جهاد را قاپیدند. آنها به دنبال فرصتی بودند، تا نقشه های از قبل طراحی شده هیئت حاکمه و ارتش اسرائیل برای پاکسازی قومی و نسل کشی در غزه و علیه مردم فلسطین را اجرا کنند. همراهی بی اما و اگر دولت آمریکا و هم پیمانان ناتویی اش از دولت و ارتش اسرائیل در نسل کشی مردم غزه، تحمیل جنگ و تروریسم چندین ماهه در لبنان و منطقه و علیه حماس و حزب الله و "محور مقاومت اسلامی"، در عین حال گامی تعیین کننده در راستای شکل دادن به نقشه جنایتکارانه "خاورمیانه نوین" در واقع خاورمیانه خونین برای مردم این منطقه است.

با شکست ائتلاف ارتجاعی "محور مقاومت اسلامی" به وضوح قطب ارتجاعی تروریسم اسرائیل- آمریکا دست بالا پیدا کرده و قصد تکمیل کردن نقشه جنایتکارانه "خاورمیانه جدید" را نهایتاً با به تمکین کشاندن و یا حذف جمهوری اسلامی و نیابتی های هنوز رام نشده اش را در سر دارند. اکنون با سرکارآمدن ترامپ فاشیست دولت و ارتش اسرائیل با دست بازتر و با حمایت گسترده تر و محکمتر برای به سرانجام رساندن نقشه خاورمیانه خونین امپریالیستی حرکت میکنند. تحمیل قدر قدرتی بلامنازع امپریالیسم آمریکا با فعال مایشایی دولت

فاشیست اسرائیل و نقش "ژاندارمی" آن در منطقه و به خط شدن حکومت‌های فاسد منطقه پشت سر سیاست‌های آمریکا اجزای "خاورمیانه نوین" امپریالیستی در ضدیت کامل با منافع و اراده اکثریت عظیم مردم است. تهدیدات ترامپ راسیست برای بیرون راندن نزدیک به دو میلیون مردم از غزه و تصاحب این منطقه توسط دولت آمریکا پرده تکان دهنده و سوپر ارتجاعی دیگر در این راستا است. اکنون صورت مسئله حقوق مردم فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطین در این دوره با موانع بسیار روبرو شده است. نه تنها حاکمیت فلسطینی ها بر غزه بلکه بر کرانه باختری در شکل "خودمختاری محدود" فعلی نیز با مخاطره روبرو است. در کل منطقه خاورمیانه نیز ناامنی و بی ثباتی و طرح‌های سناریوی سیاهی و رژیم چنجی را گسترش میدهند. این چشم انداز سیاه و خونین خاورمیانه برای مردم منطقه و تبعات تکان دهنده آن در چهارچوب بربریت کاپیتالیستی دوره معاصر خواهد بود.

اما طرح ارتجاعی خاورمیانه جدید، مورد نظر آمریکا- اسرائیل با تناقضات و موانع جدی روبرو است، همانطور که در چهارده گذشته همین موانع نگذاشته طرح‌های امپریالیستی به سهولت به سرانجام برسند.

پاشنه آشیل نقشه ارتجاعی "خاورمیانه جدید" امپریالیستی در این حقیقت نهفته است تا زمانی که اولاً مسئله فلسطین و مبارزات حق طلبانه این مردم پاسخ کارساز و عادلانه از جمله با تشکیل دولت مستقل فلسطین نگردد و ثانیاً فقر شدید و استبداد خشن حکومت‌های مرتجع عمده‌ا هم پیمان آمریکا و تروریسم دولتی ادامه پیدا کند، این منطقه کماکان بحرانی و طرح‌های ارتجاعی به بن بست میرسند.

نکته قابل توجه دیگر اینست، شکست و عقب نشینی "محور مقاومت اسلامی" در فلسطین و منطقه نه تنها شکست مردم نیست، بلکه راه باز میکند جنبش حق طلبانه در فلسطین و در کل منطقه با روشن بینی خود را سازمان دهد، به میدان آید و متکی به پلاتفرم آزادیخواهانه و اراده طبقه کارگر و سوسیالیست ها و سکولاریست‌های منطقه طرح‌های ارتجاعی از جمله طرح خاورمیانه خونین و ضد انسانی آمریکا- اسرائیل را ناکام سازد.

در بطن تحولات کنونی خاورمیانه بار دیگر و بیش از گذشته مسئله کرد برجستگی پیدا کرده است. نزدیک به صد سال است مردم کردستان در چهار بخش تحت ستم شدید و تبعیض‌دولتهای شونیست و استبدادی قرار دارند. موقعیت جنینش ملی کرد در کشورهای ایران و سوریه و ترکیه و عراق یکی نیست. استراتژی و سیاست‌های متفاوت بر روند تحرک سیاسی در هریک از بخشهای کردستان ناظر است. در همین رابطه علاوه بر سرکوبگری خشن دولتهای سرکوبگر منطقه، ناظر بودن سیاست‌های ارتجاعی و ناکارای ناسیونالیسم کرد و احزاب اصلی آن بر مبارزه حق طلبانه علیه ستم ملی به نوبه خود مانع مهمی در دستیابی این مردم به حقوق اولیه خود بوده است.

در تحولات کنونی خاورمیانه بار دیگر احزاب و جریانات اصلی ناسیونالیسم در صدد همراهی و هماهنگی با "خاورمیانه نوین" می‌خواهند سر نوشت مردم کردستان و مبارزات حق طلبانه آنها را به همراهی با دولتهای مرتجع در منطقه و نقشه های ضد انسانی آمریکا- اسرائیل گره بزنند. این مسئله بیش از پیش به مبارزه حق طلبانه مردم کردستان برای رفع ستم ملی و همسر نوشتی آنها با امر آزادی در منطقه لطمه میزند. مقابله با چنین روند ارتجاعی وظیفه جنبش رادیکال و سوسیالیستی متکی به راه حل کارساز و آزادیخواهانه برای پایان دادن به ستم ملی و دیگر تبعیضات اجتماعی است. تجربه حضور موثر ما کمونیست‌ها و جنبش سوسیالیستی در جامعه کردستان ایران در دوره بعد از انقلاب ۵۷ تأکیدی بر این واقعیت است.

اهداف جنگ دولتهای تروریستی

مبانی سیاست کمونیسم کارگری

سیاوش دانشور



ثبات و امنیت تجارت و کشتیرانی، نفی فعال مایشائی تروریسم اسلامی در منطقه، تثبیت جایگاه برتر اسرائیل در رقابت دولتهای منطقه، از اهداف اساسی این جنگ است. بعلاوه، سیاست فرار بجلو دولت نتانیاهو، حاشیه ای کردن نسل کشی فلسطین و تداوم اشغالگری و نفی مذاکره، همینطور موقعیت فردی و خیم نتانیاهو و حزبش از دیگر منافع این جنگ برای دولت اسرائیل است. اهداف دولت نژادپرست اسرائیل در جنگ جاری اهداف دولت ترامپ نیز هست.

اهداف رژیم آپارتاید جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی نیز بمثابه حکومتی سرمایه داری که سرنگونی تهدیدش میکند، در درجه اول بقای خود را جستجو میکند. برای سران جمهوری اسلامی نفس بقا و زدن ضرباتی به رژیم اسرائیل، «پیروزی» محسوب میشود و میتواند جایگاهش را میان نیروهای تضعیف شده اسلام سیاسی در منطقه تقویت کند. این جنگ منافع دیگری برای جمهوری اسلامی و تبعات منفی برای مردم؛ از جمله تشدید اختناق و تروریزه کردن بیشتر جامعه به بهانه «حمله خارجی»، مواجهه با هر مخالفی بمثابه «عامل اسرائیل» و قیچی کردن موقت مردم از سیاست را بدنبال دارد. تبدیل دولت به یک ماشین جنگی تمام عیار، اعلام شرایط اضطراری، جلو راندن سیاست بسیج ناسیونالیستی و ضرورت «دفاع از میهن»، سیاست کنونی جمهوری اسلامی است. مضافاً این جنگ میتواند موجودیت رژیم را در هاله ای از ابهام قرار دهد. شرایط کنونی ایران که از هر لحاظ با دوره جنگ ایران و عراق بسیار متفاوت است، در اوضاعی که رژیم اسلامی میان مردم منفور است و جنگ دیگری میان جامعه با حکومت جریان دارد، جنگ و مشقات آن میتواند شرایط وخیمی را برای رژیم اسلامی ببار بیاورد.

مبانی سیاست کمونیستی کارگری

جنگ ادامه سیاست است اما به روشهای دیگر. سیاست در زمان جنگ ادامه سیاست در دوران باصطلاح «صلح» است. مسئله اساسی در تبیین جنگ و اینکه جنگی عادلانه و انقلابی و یا غیرعادلانه و ارتجاعی است، برای مارکسیستها از آغاز حمله یکی به دیگری شروع نمیشود. مسئله اساسی هر سیاست کمونیستی تبیین ماهیت و اهداف جنگ در متن کشمکش سیاسی و طبقاتی جاری است. به طریق اولی، سیاست کمونیستها و کارگران و اردوی آزادیخواهان در قبال جنگ، نه با مفروضات و پروپاگاندا دولتها بلکه از زاویه منافع عمومی جامعه و منافع اخص طبقه انقلابی استنتاج میشود.

۱- ماهیت جنگ بین دو دولت تروریستی و مذهبی سرمایه داری، اهدافی که طرفین درگیر و موثلفین آنها دنبال میکنند، ارتجاعی و ضد کارگری است. لذا کارگران و مردم انقلابی در ایران هیچ خصومت و اختلاف منافع با کارگران و مردم عادی در اسرائیل و کشورهای منطقه ندارند و جنگ دولتهای تروریستی و اهداف ارتجاعی و ضد کارگری آنها محکوم میکنند و خواهان قطع بیدرنگ آن هستند.

جنگ دولتهای تروریست و مذهبی اسرائیل و ایران با حمله اخیر ارتش کودک کش اسرائیل در روز جمعه ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ آغاز نشده است. این حمله تنها یک حلقه از یک کشمکش طولانی دولتهای اسرائیل و جمهوری اسلامی در منطقه است. بویژه بعد از حمله تروریستی هفتم اکتبر ۲۰۲۳ حماس، جنگ جاری چهارچوب جنگ نامتقارن و نیابتی و حملات نوبتی را تغییر داد. دولت نتانیاهو واقعه ۷ اکتبر را بعنوان فرصتی قاپد، نام «۱۱ سپتامبر اسرائیل» را بر آن نهاد و با پرچم «نظم نوین خاورمیانه»، وارد یک مرحله جدید از قلدری میلیتاریستی و تروریسم شد. طلیعه خونین «نظم نوین خاورمیانه» با نسل کشی و پاکسازی قومی مردم بیدفاع فلسطین کلید خورد. جنگهای روزمره و بمباران نیروهای جمهوری اسلامی در سوریه و لبنان و عراق و یمن موسوم به «محور مقاومت» ادامه این سیاست است. بازتعریف ترتیبات امنیتی و سیاسی خاورمیانه، نه سیاستی برای حذف نیروهای جنبش تروریستی اسلام سیاسی بلکه تلاشی برای تحمیل یک توازن قوای جدید به آن است. در این جنگ بیشترین قربانیان مردم عادی و محیط زندگی آنها بوده است.

هدف جنگ کنونی لااقل از جانب دولتهای اسرائیل و آمریکا سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. همانطور که میتوانند با حوئیها در یمن به توافقی برسند، در لبنان بعد از ضربات به حزب الله نیروهایش را در چهارچوب ارتش لبنان مستحیل کنند، در عراق حشدالشعبی را به چهارچوب ارتش عراق محدود کنند، در ایران نیز تحمیل شرایط جدیدی به جمهوری اسلامی در ترتیبات جدید منطقه هدف بلافصل آنهاست. سیر مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی هدفی جز تحقق این سیاست را نداشت و جنگ جاری تا لحظه کنونی هنوز بمثابه ابزار فشاری برای همین سیاست عمل میکند. ارزیابی ما در کنگره یازدهم حزب این بود که «اگر مذاکرات برسر پرونده هسته ای شکست بخورد، امکان حمله نظامی بالا است». «با بسته شدن زمان دو ماهه مورد نظر ترامپ و زمزمه شکست مذاکرات، دولت اسرائیل با چراغ سبز آمریکا جنگ را آغاز کرد. بنظر ارزیابی دولتهای اسرائیل و آمریکا بویژه بعد از دو سه مورد حملات موشکی و پهپادی و بمباران و اخلال در پدافند هوایی رژیم اسلامی این بود که یک حمله محدود میتواند رژیم اسلامی را به سازش و تسلیم بکشاند. اگر در روزهای آتی هفته جاری راه دیپلماتیکی باز نشود، آمریکا رسماً وارد جنگ میشود و برای نابودی تاسیساتی مانند فردو که ارتش اسرائیل توان و ابزار نابودی آنها ندارد، وارد عمل خواهد شد و جنگ جاری ابعاد پیچیده و چه بسا گسترده تری بخود بگیرد.

اهداف رژیم آپارتاید اسرائیل

این جنگ تنها جنگ دولت اسرائیل نیست، جنگ دولت آمریکا و بدرجائی ائتلاف جهانی متحدین آمریکا نیز هست. سوال اساسی نیز برسر پرونده هسته ای نیست، پرونده هسته ای بهانه ای امنیتی است. هدف اساسی بازسازی ارتجاعی نظم خاورمیانه در چهارچوب رقابتهای جهانی بلوک بندیهای سرمایه داری امروز است. رژیم آپارتاید اسرائیل بعنوان حکومتی سرمایه داری، بمثابه بازوی نظامی و مشت آهنین منافع بلوک سرمایه داری غرب عمل میکند. تامین

اهداف جنگ دولتهای تروریستی مبانی

سیاست کمونیسم کارگری...

اپوزیسیون بورژوائی و ضد جامعه ایران مانند سلطنت طلبان و مجاهدین خلق و ناسیونالیست های قومی و هواداران یک سوی جنگ، بر دخالت نیروهای انقلابی و ایجاد شبکه های مردمی و کارگری و مستقل از حکومت برای کاهش مشقات جنگ و تقویت همبستگی و مسئولیت اجتماعی تاکید دارند.

و بالاخره یک سوال واقعی میماند. این جنگ را ما آغاز نکرده ایم اما مستقل از ما و براساس منافع دولتهای تروریستی وقوع پیوسته است. جنگ در صورت تشدید آن، میتواند سناریوهای مختلفی را به جلو براند؛ از جمله سست شدن کنترل و حاکمیت دولت مرکزی، تغییر در آرایش دولت اسلامی، راه انداختن ارتشهای مزدور و دست ساز در مناطق مختلف و خانخانی نظامی و رفتن بسمت یک سناریوی سیاه. کمونیست ها در این اوضاع که بود و نبود جمهوری اسلامی یک سوال در این جنگ است، بی تفاوت نمی مانند. دفاع از جامعه و حفظ شرایطی که بتوان از نفس جامعه و از هم پاشیدن شیرازه آن دفاع کرد، مقابله ضروری با نیروهای مونتلف طرفین درگیر در چنین شرایطی، و مهمتر ایجاد آمادگی برای پر کردن هر خلأ قدرتی که میتواند ایجاد شود با نیروی اعمال اراده توده ای و انقلابی از ارکان یک سیاست فعال کمونیستی کارگری است. در اوضاع امروز ایجاد «شبکه های زندگی» در مقابل مشقات جنگ، تقویت همبستگی درونی و انسانی جامعه، یک نیاز فوری و مقدمه ای بر آمادگی برای شرایطی است که تعیین تکلیف نهائی با رژیم اسلامی از پائین صورت بگیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست کارگران و مردم آزادیخواه ایران را به تقویت نوع دوستی، همبستگی و همیاری، ایجاد شبکه های متنوع و تقویت آمادگی برای کاهش مشقات جنگ ارتجاعی تروریستها، بر تقویت صف مستقل کارگری و انقلابی و سوسیالیستی فرا میخواند.

۱۹ ژوئن ۲۰۲۵

آزادی، برابری، رفاه

از یک دنیای بهتر

تصویر همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل بیشک یکی نیست. اما با اینهمه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چند هزار ساله جامعه بشری دائماً بعنوان شاخص های سعادت انسان و تعالی جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده اند، تا حدی که دیگر بعنوان مفاهیمی مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخص ها قرار دارند.

دقیقاً همین ایده آلهای بنیادهای معنوی کمونیسم کارگری را تشکیل میدهند. کمونیسم کارگری جنبشی برای دگرگونی جهان و برپایی جامعه ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه است.

۲- این جنگ ما کارگران نیست اما در قبال آن بی تفاوت نیستیم. مشقات جنگ، لطماتی که ادبیات جنگ طلبانه و ناسیونالیستی و فاشیستی به جامعه و صفوف ما میزند، شرایط نامساعدی که برای تداوم مبارزه انقلابی ایجاد میکند، از مسائل واقعی روز و گوشه ای از خط مشی تاکتیکی کمونیست ها در قبال جنگ است. طبقه کارگر و نیروهای آزادیخواه که علیه جنگ ارتجاعی هستند، نه از وضع موجود و بازگشت به شرایط پیش از جنگ، نه از دفاع از یک طرف جنگ، نه از سیاست آرامش طلبی و صلح میان دو ارتجاع حمایت نمیکند.

۳- رکن اساسی سیاست کمونیستی کارگری تداوم مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و به شکست کشاندن دورنمای ارتجاعی «نظم نوین خاورمیانه» است. این سیاستی علیه حمایت از دولت «خودی» و سیاستی علیه حمایت از اهداف ارتجاعی دولت اسرائیل و مونتلفین آنست. ما مخالف تداوم حاکمیت ارتجاع اسلامی در ایران هستیم. ما مخالف میلیتاریسم و قلدری دولت نژادپرست اسرائیل و نظم ارتجاعی خاورمیانه نوین هستیم. ما مخالف ویرانی جامعه و آوارگی و تشدید تروریسم دولتی و غیردولتی هستیم. ما مخالف سیاستهایی هستیم که جنگ اسرائیل و آمریکا را «فرصتی طلایی» برای سرنگونی جمهوری اسلامی قلمداد میکنند. ما مخالف سیاست بی تفاوتی و پاسیویستی در قبال جنگ جاری هستیم.

۴- لذا یک سیاست فعال در قبال جنگ جاری، برخورد قاطع با و افشای نیروهائی است که کارگران و مردم را به حمایت از رژیم اسلامی فرامیخوانند. برخورد قاطع با و افشای نیروهائی است که صریح و غیر صریح در این جنگ کنار دولت اسرائیل و آمریکا قرار دارند و آنرا تحت عنوان «مبارزه با رژیم اسلامی» «توجیه میکنند. افشا و منزوی کردن این نیروها بمثابه جریانات جنگ طلب و حامی ماشین جنگ تروریستها از وظایف کمونیست ها و کارگران در ایران و اسرائیل و هرجای جهان است.

۵- کمونیست ها «صلح طلب» و خواهان آرامش و بازگشت اوضاع سابق نیستند. ما و طبقه کارگر و اردوی انقلابی راسا درگیر جنگی عادلانه با جمهوری اسلامی و نظم سرمایه داری هستیم. سیاست «قطع جنگ، بیدرنگ» سیاستی «صلح طلبانه» نیست، سیاستی در مواجهه با مشقات جنگ و شرایط نامساعدی است که برای صفوف مبارزه انقلابی در ایران و منطقه ایجاد میکند. صلح طلبی لیبرالی و پاسیفیسم در قبال جنگ به بهانه اینکه این جنگ به منافع کارگران ربط ندارد، سیاست کمونیست ها نیست. ارتباط این جنگ با کارگران را باید در بمباران پالایشگاه ها و مراکز کار، در آوارگی و تشدید فقر، در شرایط نامساعد برای گسترش مبارزه انقلابی و کارگری و در قربانیانی جستجو کرد که اساساً اقشار محروم و بی دفاع اند.

۶- کمونیست ها در دوران جنگ بر منافع مستقل طبقه کارگر، بر استقلال طبقاتی پرولتاریای ایران و منطقه و جهان در قبال جنگ، بر سیاستی فعال علیه ماهیت ارتجاعی و بورژوائی جنگ و اهداف ضد کارگری جنگ، بر افشای ماهیت ارتجاعی نیروهای طرفدار جنگ و

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



و بی‌راه نیست اگر ببرسیم: کسی که چنین می‌گوید، چگونه می‌تواند به چشم کودکان غزه نگاه کند؟ چگونه می‌تواند از جنین‌های مدفون زیر آوار، از نوزادانی که در آتش جنگ زنده‌زنده سوخته‌اند، عبور کند و بگوید: "فضا مساعد شده؟" و ظاهراً در این منطق، اگر موشک‌های اسرائیلی هم‌زمان با تجمع کارگری در تهران فرود آیند، نتیجه‌اش نه کشتار، که "تسریع انقلاب" است.

سکوت درباره ماهیت ارتجاعی دولت مهاجم، در اینجا نه غفلت، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از نظریه است: تز جنگ پاک اسرائیلی، اگر با اعتراض داخلی تلفیق شود، رژیم را ساقط می‌کند. جنگ، به‌عنوان موتور تحول اجتماعی!

اما حقیقت چیست؟ جنگ دو نیروی ارتجاعی و تروریست حاکم، حتی اگر یکی بر علیه دیگری باشد، باز هم جنگ آزادی نیست. جنگ نابود می‌کند؛ زیرساخت، امید، زندگی، خانواده. اگر مردمی برای رهایی خود بجنگند، علیه استبداد داخلی، آن نامش انقلاب است. اما اگر بمباران، از سوی یک دولت فاشیستی، بر سر آن‌ها و رژیم‌شان نازل شود، نام آن چیزی جز فرو رفتن جامعه در گرداب یک سناریوی سیاه نیست.

آتش آزادی؟ نه، خاکستر سناریوی سیاه!

در مباحث منصور حکمت، دو مسیر پیش روی جامعه ایران و در پروسه سرنوشتی تصویر شده است: سناریوی سفید و سناریوی سیاه. سناریوی سفید، به‌مثابه یک فرایند سیاسی برای سرنوشتی رژیم اسلامی، بدون نابودی جامعه. سناریوی سفید، رژیم اسلامی را سرنوشت می‌کند بدون آن‌که بافت جامعه و شیرازه جامعه را نابود کند؛ سرنوشتی‌ای که به مردم اجازه می‌دهد نفسی تازه کنند، نهادهای خود را بازسازی کنند، و از دل همان جامعه زخم‌خورده، افق آزادی را بنا نهند. اما در کنار آن، سناریوی وجود دارد که خود حکمت آن را چنین تعریف می‌کند:

"سناریوی سیاه وضعیتی است که در آن شالوده مدنی جامعه در هم می‌ریزد، مردم به استیصال کشیده می‌شوند، و به‌جای انقلاب، هرج‌ومرج، میلیتاریسم، و سرکوب مسلط می‌شود."

متأسفانه اکنون این سناریو امروز نه در سطور کتاب، بلکه در آسمان تهران و اصفهان و اراک و... در حال وقوع است. با پهباد و موشک، با آژیر قرمز، و با بدن‌های بی‌جان بیرون‌کشیده‌شده از زیر آوار. کودکانی که خون‌شان بر دیوار خانه پاشیده شده، معلمان و پرستارانی که در صف نان یا داخل آمبولانس جان داده‌اند، نه اعداد، که واقعیت‌های زنده و تکان دهنده سناریوی سیاه‌اند.

اما تقوایی، به‌جای اینکه در کنار این مردم بایستد، در کنار بمب‌افکن‌ها ایستاده است. نه از لحاظ فیزیکی، بلکه در جایگاه نظری. او به‌جای اینکه فریاد بزند "جنگ را متوقف کنید"، اعلام می‌کند: "این فضا مناسب اعتراض است!" در حالی‌که اجساد زیر آوارند، خطوط آب و برق منقطع شده‌اند، و بیمارستان کودکان با خاک یکسان شده است، او از "تعرض انقلابی" سخن می‌گوید. گویی سوختن نوزادان، فقط "گرمای مقدماتی فضای انقلاب" است!

در منطق او، آوار، بمباران، تشعشعات اتمی فرصت است؛

سناریوی سیاه، نسخه تقوایی: کودکان زیر

آوار، "فضای مساعد انقلاب"!

علی جوادی

حمید تقوایی چه می‌گوید؟ انقلاب با موشک، اعتراض زیر بمباران! در واکنش به حملات هوایی ارتش اسرائیل و آغاز جنگ و تروریسم هوایی، حمید تقوایی، لیدر حزب سابقاً "کمونیست کارگری"، در یک مصاحبه تلویزیونی با لحنی تحلیلی‌گرانه اما راضی از وضعیت، می‌گوید:

"این ضربات نظامی و سیاسی، که همانطور که توضیح دادم ضربه سیاسی مهمی به جمهوری اسلامی هم هست، فضا را در جنگ مردم با جمهوری اسلامی مساعدتر می‌کند برای خیزش‌های عمومی مردم، برای گسترش اعتراضات و برای تعرض انقلاب زن، زندگی، آزادی. و از این طریق است که مسئله سرنوشتی جمهوری اسلامی می‌تواند جواب بگیرد. وگرنه با صرف دخالت نظامی هوایی این اتفاق نخواهد افتاد."

یعنی: بمباران خوب است، اما کافی نیست؛ باید به آن اعتراض هم اضافه شود، تا این "پکیج" کامل شود. مردم، اگر هم قرار است آزاد شوند، باید از لایه‌لای دود، انفجار، بمباران و آژیر آمبولانسها بگذرند؛ و آزادی از زیر آوار و خاکستر متولد می‌شود!

تقوایی حمله ارتش اسرائیل را "ضربه سیاسی" مثبت می‌نامد و آن را گامی موثر در پیشبرد "انقلاب زن، زندگی، آزادی" معرفی می‌کند. اما در باره آنچه سکوت می‌کند، صدایش بلندتر از آن چیزی است که به زبان می‌آورد. سکوتی کامل درباره ماهیت و اهداف فاشیستی دولت اسرائیل از این جنگ. سکوت درباره پروژه نظامی‌گری اسرائیل که نه برای آزادی مردم ایران، بلکه برای تثبیت سلطه و هژمونی منطقه‌ای، نابودی زیرساخت‌ها، و فروپاشی بافت اجتماعی و فرو بردن جامعه ایران در گرداب یک سناریوی تمام سیاه. سکوت درباره کودکانی که کشته می‌شوند، مادرانی که روی پله‌های بیمارستان دنبال پیکر تکه‌تکه‌شده فرزندان‌شان می‌گردند، سکوت درباره این‌که این جنگ نه جنگ مردم است و نه انقلاب، بلکه تقابل دو هیولاست. جنگ دو نیروی تروریست.

تقوایی حتی نمی‌گوید: "با وجود جنگ، مردم می‌توانند مقاومت کنند." بلکه می‌گوید: "به واسطه جنگ، مردم فرصت پیدا می‌کنند." البته این جابه‌جایی معنا، اتفاقی نیست. این چرخش کامل در بنیان فکری و جنبشی اوست که مدتهاست به سرانجام رسیده است. جنگ، آن‌گاه که از سوی نیرویی به‌اندازه جمهوری اسلامی ضدانسانی، تروریست و فاشیست است، چون به سمت جمهوری اسلامی نشانه گرفته، می‌تواند "تاریخی" باشد. فاجعه، تا وقتی "علیه دشمن" است، دیگر فاجعه نیست؛ مثبت است، بستر تحول است!

اما حمله موشکی و انفجار "تحلیل" نمی‌خواهد، امداد می‌خواهد. فریاد کودک از زیر آوار نیاز به آمار ندارد، نیاز به دست کمک دارد. وقتی شبکه برق منقطع می‌شوند، وقتی زن باردار را از زیر سقف بیرون می‌کشند، وقتی بچه‌ای روی آسفالت داغ افتاده، این لحظه انقلاب نیست، این لحظه فاجعه است. او صحنه را نمی‌بیند: مردی که در صف نان کشته می‌شود؛ کودکی که در مدرسه در حال آموختن الفباست و ناگهان دود و سنگ، جای واژه و تخته را می‌گیرد. اینها برای تقوایی نه واقعیت‌های انسانی، بلکه "گرد و خاک" یک مدل نظری‌اند که باید حذف شوند.

سناریوی سیاه، نسخه تقوایی: کودکان زیر آوار، "فضای مساعد انقلاب"...

قطع برق، علامت آمادگی؛ و شاید مرگ، نقطه آغاز خیزش. انسان واقعی اما، با این "تحلیل سیاسی" متفاوت است. انسان، جسم دارد، ترس دارد، خانواده دارد، امید دارد. بمباران برایش نه گشودگی فضا، که ویرانی بی‌انتهاست.

و بدتر از همه، این است که تقوایی مردم را نه به عنوان فاعل آگاه اجتماعی، بلکه به عنوان "مواد اولیه خیزش" می‌بیند. بنظر اگر به اندازه کافی صدمه ببیند، شاید سرنگون کنند! آنچه او نمی‌بیند یا نمی‌خواهد ببیند، این است که جنگ مردم را له می‌کند، نه بیدار.

ائتلاف نامقدس: از تل‌آویو تا ...

در میان این دود و خاکستر، صفی واحدی در حال شکل گیری است: ارتش اسرائیل بمباران می‌کند، وزیر دفاع اسرائیل تهدید می‌کند: "ساکنان تهران بهای سنگینی خواهند پرداخت"، یاسمین پهلوی و قیحانه فریاد می‌زند: "اسرائیل بزن، مردم ایران پشت تو هستند"، رضا پهلوی لبخند می‌زند و می‌گوید: "فرصت طلایی است"، عبدالله مهدی سر از پانشناخته می‌گوید "به واشنگتن آمده تا از پریزیدنت ترامپ قردادانی کند بخاطر فشارش بر جمهوری اسلامی" نفتالی بنت مردم ایران را به قیام فرامی‌خواند: "اگر حالا نه، پس کی؟" و حمید تقوایی تحلیل می‌کند: "ضربه نظامی فضا را مساعد می‌کند." همه این‌ها با زبان‌های متفاوت، اما محتوایی مشترک سخن می‌گویند: نابود کن، شاید چیزی ساخته شود!

البته تقوایی حتی برای رفع مسئولیت از دولت بمباران‌کننده، جمله‌ای می‌افزاید: "اگر این جنگ دامنه‌اش به زندگی مردم کشیده شود، مسئول مستقیم آن جمهوری اسلامی است." معنا روشن است: اسرائیل آزاد است بکشد، اما مسئول خون‌ها، رژیم جنایتکار حاکم بر ایران است. چه منطق زیبایی برای آموزش سخنگویی نظامی ارتش اسرائیل؟ این منطق، همان منطق فاشیستی مدرن است: جنگ را ما می‌کنیم، تقصیرش با شماست! این جنگ خیر و شر است. بیچاره ماکیاولی...

بازگشت به حکمت: انقلاب از خاکستر نمی‌رود

منصور حکمت به روشنی گفته بود: "این وضعیت، در متنی از هرج و مرج و در غیاب هر نیروی سیاسی قوی و سازمان‌یافته، می‌تواند به فاجعه بدل شود... تنها آلترناتیو واقعی، سازمان‌یابی از پایین، قدرت‌یابی طبقه کارگر، و انقلاب اجتماعی است."

اما تقوایی، آتش نظامی‌گری دست راستی را جایگزین سازماندهی و مبارزه طبقاتی کرده، و تحلیل سیاسی را بدل به توجیه ویرانی. او نقش خود را در منظومه ارتجاعی کامل کرده است: فاشیسم بمب می‌اندازد، سلطنت طلب کف می‌زند، و حمید تقوایی توجیه می‌کند.

اما ما می‌گوییم: اگر قرار است جمهوری اسلامی سرنگون شود، و باید شود، و سرنگونی رژیم اسلامی حلقه‌ای از مبارزه ما برای رسیدن به جامعه آزاد و برابر و سوسیالیستی تحت هر شرایطی است، تنها راه آن ازگسترش مبارزات کارگر و آزادیخواهی، سازماندهی توده‌ای و حزبی، و قدرت اجتماعی مردم می‌گذرد. هیچ بمب‌افکنی، هیچ حمله تروریستی و هیچ ائتلاف ارتجاعی‌ای نمی‌تواند انقلاب بیاورند. انقلاب، از کارخانه می‌آید، از اعتصاب سراسری کارگری، از دل شوراها و کارگری، محافل کمونیستی، از فریادها در زندان، از قیام کارگری، نه از کابین جنگنده اف ۳۵.

و مردم؟ نه، مردم به خاکستر بدل نمی‌شوند. آن‌ها زنده‌اند، باید زنده بمانند، مقاومت خواهند کرد، در برابر جنگ و در برابر توحش رژیم اسلامی، در خیابان، در زندان، در محیط کار و زندگی، و در رویا و تلاش خود برای دنیایی بهتر.

ما ایستاده‌ایم در برابر این صف ارتجاع: از نتانیاهو و افسران ارتش‌اش، تا شاه‌طلبان لندن، تا حزب تقوایی‌موشک‌پسند. و ما فریاد می‌زنیم: مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر فاشیسم دولتی اسرائیل، نه به سلطنت، و نه به تلاش‌های ارتجاعی برای همسو کردن مبارزات مردم با جنگ و کشتار و بمب افکن‌های ۱۳ هزار کیلویی که آزادی را می‌خواهند از دل جنگ بیرون بکشند.

و اگر پرچمی برافراشته خواهد شد، نه پرچم ستاره و داوود اسرائیل خواهد بود، نه تاج پهلوی، نه عکس رهبران رسانه‌ای منتظر؛ بلکه پرچم سرخی خواهد بود که از دل زنده‌ها برخواید خاست: از کارگر، از زن، از کودک، از انسان، نه از خاکستر، بلکه از امید برای تغییر، برای دنیایی بهتر.

از میان اسناد مصوب کنگره یازدهم حزب حکمیست

بخشی از بیانیه:

آینده جهان، خطر فاشیسم و مبرمیت انقلاب کارگری

خاورمیانه "نوین"، خاورمیانه خونین ...

ادامه از صفحه ۵

در هر حال مسئله کرد به یک گره گاه سیاسی مهم در زندگی مردم کردستان، در روند تحولات سیاسی در منطقه و در هریک از بخش‌های کردستان تبدیل شده است. این مسئله باید به شیوه‌ای اصولی و عادلانه پاسخ بگیرد. مراجعه به آرای مستقیم مردم برای تعیین سرنوشت خود و مردود اعلام کردن طرح‌های مختلف از بالای سر مردم قدم اول راه حل کارساز مسئله کرد است

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

باید این جنگ ارتجاعی و تروریسم هوایی

فورا خاتمه یابد!

جمال کمانگر

بمباران و موشکباران جغرافیای ایران توسط رژیم اسرائیل جامعه ایران را با مخاطرات جدی روبرو کرده است. اسرائیل کمتر از ۲۴ ساعت از دور اول حملات هوایی به ایران، بمباران زیر ساختهای صنعتی و اقتصادی در سراسر ایران را شروع کرده است. اسرائیل نیروی نیابتی آمریکا و ناتو در خاورمیانه است. بدون چراغ سبز و همکاری گسترده نظامی و اطلاعاتی آمریکا و ناتو جرات درگیری نظامی در این ابعاد را ندارد. مسئله هسته ای رژیم بهانه این حمله است. همانطور که بهانه حمله آمریکا و متحدین غربی اش در سال ۲۰۰۳ به عراق بود. این سناریویی آشنا برای به تسلیم وا داشتن "دول سرکش" که در چارچوب بلوک بندی جدید در خاورمیانه و جهان غرب نمیکنند! عراق، لیبی، سوریه و نوبت به ایران به عنوان یکی از بزرگترین کشور های خاورمیانه از لحاظ منابع طبیعی و انسانی رسیده است.

وقتی غرش موشکها و هواپیماها بصدا درآمدند منافع طبقه کارگر برای شکست کشورهای درگیر کنار گذاشته میشود! این تروریسم هوایی و موشکی بی طرف و پاسیو ندارد! ما کمونیستها باید از زاویه و منفعت عام طبقه کارگر به آن برخورد کنیم. سؤال این است که پیروزی در جنگ هوایی و موشکی رژیم کودکش اسرائیل و رژیم اسلامی چه ارمغانی برای طبقه کارگر دارد؟

طبقه کارگر همیشه جناحها و کشورهای درگیر را زیر ذربین قرار میدهد و با وسواس از طرف مترقی و پیشرو در جنگ دفاع میکند. اما در این وضعیت جنگی معین برتری نظامی رژیم کودکش اسرائیل به معنی ادامه فضای جنگی، سرکوب اعتراضات و جنبش های اجتماعی در ایران و خطر سناریو سیاه به بار خواهد آورد. ناتانیاهو جنایتکار جنگی است و باید دستگیر و محاکمه شود. ناتانیاهو صلاحیت اینرا ندارد که از "آزادی و دموکراسی" برای فردای بعد از رژیم اسلامی حرف بزند. فعلا ایشان پرونده مفتوح نسل کشی فلسطینیان در دادگاه بین المللی دارد.

از نظر طبقه کارگر پیروزی و شکست طرفین این مناقشه خونین ربطی به "آزادی و دموکراسی" و "ممانعت از گسترش سلاح هسته ای" ندارد. دول سرمایه داری و رژیم اسرائیل بزرگترین زرادخانه هسته ای جهان را در اختیار دارند. قدری نظامی و باجگیری از دولتهای که توان دفاع از خود را ندارند بخشی از سیاست اِرعاب دول امپریالیستی است.

طبقه کارگر نباید موضع پاسیو و غیر انتقادی از طرفهای درگیر داشته باشد. از منظر قدرتهای امپریالیستی شکست یا پیروزی به معنی تصرف یا از دست دادن هژمونی سیاسی، الحاق سرزمینهای دیگر و برتری نظامی است.

ناباید طبقه کارگر سرنوشت خود را به طرفهای درگیر در بحران اخیر بین رژیم اسلامی و اسرائیل و متحدان غربی اش وصل کند این موضعی غیر قابل دفاع است. سیاست درست این است که طبقه کارگر در ایران و اسرائیل و سراسر جهان علیه هر دو کمپ تروریستی و جنایتکار متخاصم به میدان بیایند. انتظار از کشورهای سرمایه داری که عامل صلح و ثبات باشند، انتظاری بیهوده است. حرص و ولع سرمایه داری برای گسترش امپریالیستی و فتح بازار های تولید و



صنود کالا که کاملاً در چارچوب نظم جدید هضم نشده اند سیری ناپذیر است. جنگ کنونی هیچ منفعت اقتصادی، سیاسی و دفاعی برای توده مردم علی العموم در ایران ندارد. این مردم عادی هستند که بار جنگ و کشتار و تحریم را بدوش میکشند نه دولتمردان در کاخهای شیشه ای!

دامن زدن به جنگ و اشغال نظامی محصول رقباتهای امپریالیستی بین کشورهای مختلف سرمایه داری برای

کسب هژمونی و کنترل و استثمار نیروی کار مناطقی است که بطور کامل زیر سلطه بلوک باجگیر غرب درنیامده اند. منافع ملی تنها بهانه ای برای قرار دادن توده های زحمتکش مردم تحت سلطه ادلی و ابدی سرمایه داری است.

رسالت بلافصل سوسیالیسم، رهایی معنوی پرولتاریا از قیمومیت و ایدولوژی ناسیونالیستی بورژوازی است. باید لفظ توخالی ناسیونالیسم را به عنوان ابزار سلطه بورژوازی در پوزیسیون و اپوزیسیون رسوا کرد. در حال حاضر تنها راه اصولی دفاع از استقلال واقعی طبقه کارگر و خواهان خاتمه فوری تروریسم هوایی و موشکی رژیم کودکش اسرائیل است. دستور کار طبقه کارگر ادامه مبارزه انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی و انقلاب کارگری است. کارگران میهن ندارند و دفاع از انترناسیونال سوسیالیستی وظیفه اصلی آنهاست.

ژوئن ۲۰۲۵

یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بی شمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

اعدام قتل عمد دولتی است!

#انسانیت مرز نمی‌شناسد
#همبستگی قویتر از بمب

دوست من، اگر موافقی ملحق شو. باز نشر کن. دست به کاری بزن. اینروزها دستهای زیادی یاری می‌طلبند.

خرداد ۱۴۰۴ - جون ۲۰۲۵

باز نشر از شبکه های اجتماعی



ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

منصور حکمت

رهبر جنبش کمونیسم کارگری

در واقع رابطه بر عکس است. این ملت است که محصول و مخلوق تاریخی ناسیونالیسم است. ناسیونالیسم بر ملت مقدم است. اگر این تعبیر را قبول کنیم، آنگاه فوراً روشن میشود که مبارزه کمونیسم با ناسیونالیسم، نهایتاً مبارزه ای بر سر کشیدن ملتها به این یا آن خودآگاهی و عمل سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه بر سر نفس تعلق و یا عدم تعلق ملی انسانهاست. بر سر رد و قبول هویت ملی است. پیروزی بر ناسیونالیسم، بدون تحقق بخشیدن به یک گذار از مقوله ملت و هویت ملی، ممکن نیست. و باز روشن میشود که چگونه فرمول برنامه ای "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" با شخصیت و شیئیت بخشیدن به مقوله ملت، بعنوان موجودیتی که از پیش دارای حقوق خاص خویش است، عملاً یک موضع تاکتیکی برای عقب راندن و خنثی کردن ناسیونالیسم را به یک برسمیت شناسی استراتژیکی هویت ملی بدل میکند و به این ترتیب به امر واقعی خود لطمه میزند.



مانیفست همبستگی و همدردی انسانی در جنگ

برای مردم، توسط مردم

۱- تاریخ بشر مملو از نوع دوستی است!

جنگ پایان همدردی نیست. همدردی یک مسئولیت است. در دل موشک و بمب، بی پناهی و بی مسئولیتی حاکمان، هنوز قلب هایی هستند که می‌تپند برای دیگری. ما به این قلب‌ها تکیه می‌کنیم، به مردم، نه به دولت‌ها. ما انتخاب می‌کنیم که کنار همدیگر باشیم، نه به عنوان قربانیان منفرد، بلکه به عنوان جامعه ای که درد یکدیگر را می‌فهمد و به کمک هم می‌شتابد.

۲- دست یاری به سوی همدیگر دراز کنیم!

بی‌هیچ تبعیض، بی‌هیچ نگاه بالا به پایین، کسانی که نیازمندند، کسانی که ناتوان‌اند، بیماران و سالمندان، بی‌خانمان‌ها و محرومان، همه سزاوار احترام، حمایت و محبت‌اند. وقتی کسی نان ندارد، وقتی سالمندی تنه‌است، وقتی کودکی شب را با شکم خالی به صبح می‌رساند، ما نمی‌توانیم فقط تماشا کنیم. ما باید دست دراز کنیم.

۳- شبکه‌های همبستگی و همیاری بسازیم!

گروه‌های همیاری ایجاد کنیم. در کوچه و محله، در مدرسه، در کارخانه، در پیام رسان‌ها. برای به اشتراک گذاشتن منابع، غذا، دارو، اطلاعات و حمایت روانی. برای ساختن «پناهگاه‌های اجتماعی» حتی در کوچک‌ترین فضای ممکن. برای رساندن امید و حمایت به ناتوان‌ترین‌ها، بی‌صدا ترین‌ها.

۴- این همبستگی، نوعی مقاومت است!

مقاومت در برابر ناامیدی، در برابر جدایی، برای زندگی در دل ویرانی، برای حفظ انسان در میان آوار. ما نمی‌گذاریم جنگ و بی‌عدالتی بر ما پیروز شوند. در جهانی که مرگ عادی شده، در کشوری که پناهگاه ندارد، در خیابانی که نان گران‌تر از موشک است؛ محبت، همکاری و مراقبت از همدیگر، شکل بلند انسانیت است!

۵- ما همه را به مشارکت دعوت می‌کنیم!

کمک کنید، حتی اگر اندک است. به هر شکل که می‌توانید: کمک مالی یا مادی، داوطلب شدن برای حمایت‌های پزشکی، روانی یا اجتماعی، انتشار پیام‌های امید و همدلی در رسانه‌ها و شبکه‌ها، ساختن فضای گفت‌وگو و همراهی. در سکوت یک بیمار، صدای مهربانی باشید. خانه‌تان را، صفحه‌تان را، دلتان را باز کنید. اجازه ندهید کسی در تاریکی تنها بماند.

۶- ما به انسان بودن باور داریم!

کمک رسانی ما قومیتی، مذهبی، سیاسی یا جنسیتی نیست. ما به انسان بودن، بدون پیشوند، بدون پرچم، بدون قید و شرط باور داریم. فراتر از هر مرز، دین، قومیت و زبان، ما همه یک خانواده بزرگ انسانی هستیم. در این لحظات، اولین قدم همین گرفتن دست یکدیگر است.

۷- تاریخ این لحظات را به یاد خواهد آورد!

نه سربازان، نه وزیران، نه فرماندهان! بلکه مادری که غذا بخشید! جوانی که دارو رساند! و دلی که بخشید، وقتی همه گرفته بودند! انسانیت ما در همین کارهای کوچک معنا می‌یابد. با یک تماس، یک پیام، یک وعده غذا، یک شب پناه. قدرت همبستگی از بمب‌ها بیشتر است! بیایید در این لحظات تاریک، نور یکدیگر باشیم.

زنده باد شوراها!

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



نیروی ۱۸ اکتبر - شیلی
گروه ویلکاپازا - پرو
کمونیست ها - کوبا

یادآور می شود که این احزاب و سازمان های سیاسی متعلق به یک سنت یا جریان واحد در جنبش سوسیالیستی بین المللی نیستند. با این حال، با وجود اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی، بر اساس ضرورت تقویت صفوف جنبش کارگری و سوسیالیستی جهانی در برابر گسترش و تعمیق درگیری های نظامی بین قدرت های امپریالیستی - و خطر بروز یک جنگ جهانی - گرد هم آمده اند.

بیانیه کنفرانس انترناسیونالیستی ناپل علیه جنگ های امپریالیستی

جنگ جنایتکارانه علیه ایران را متوقف کنید

صبح روز ۱۳ ژوئن، رژیم نسل کش اسرائیل با حمایت مستقیم و آشکار ترامپ، جنگی خونین علیه ایران را آغاز کرد. این جنگ ادامه ای است بر اقدامات جنایتکارانه دولت اسرائیل، از جمله نسل کشی در غزه. این جنگ مستقیماً منافع و معیشت توده های مردم در ایران را هدف قرار داده و تنها علیه حکومت ایران نیست.

رهایی مردم ایران، همانگونه که رهایی مردم خاورمیانه و جهان، از کاتل اسرائیل یا قدرت های امپریالیستی نخواهد آمد. آزادی ایران تنها از طریق مبارزه کارگران، زنان و مردم تحت ستم حاصل خواهد شد. پیامدهای این جنگ محدود به ایران نخواهد بود؛ این جنگ می تواند گامی در جهت یک درگیری بین المللی بزرگتر باشد.

در حالیکه این کنفرانس رژیم سیاسی اسرائیل و دولت آمریکا به رهبری ترامپ را، همراه با همدستی قدرت های اروپایی محکوم می کند، همزمان خواستار همبستگی با کارگران و توده های تهیدست در ایران است و توقف فوری این جنگ جنایتکارانه را مطالبه می کند. بایبید بسیج جهانی کارگران علیه بمباران ها را تقویت کنیم!

نسل کشی در فلسطین و جنگ جنایتکارانه علیه ایران را فوراً متوقف کنید!

پیشنویس بیانیه از طرف هیئت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به کنفرانس انترناسیونالیستی ناپل علیه جنگ های امپریالیستی ارائه شد و با اصلاحاتی تصویب شد.

هیئتی از دفتر بین المللی حزب حکمتیست در کنفرانس بین المللی علیه جنگ های امپریالیستی شرکت کرد

هیئتی از دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، متشکل از رفقا شمال علی و هلاله طاهری، به دعوت جریان انقلابی انترناسیونالیست (TIR) ایتالیا در روزهای ۱۴ و ۱۵ ژوئن در کنفرانس بین المللی علیه جنگ های امپریالیستی در شهر ناپلی ایتالیا شرکت کرد. حزب به عنوان عضو ناظر در این کنفرانس حضور یافت.

دستور کار کنفرانس شامل مسائل بین المللی مهمی بود، از جمله رشد سریع جریان های راست افراطی، مسأله فلسطین، تسلیح مجدد اروپا و ناتو.

قطعنامه هایی در رابطه با این مسائل به تصویب رسید.

شایان ذکر است که نیروهای شرکت کننده در این کنفرانس هدف مشترکی را دنبال می کنند: تشکیل یک جبهه متحد بین المللی کارگری علیه تمامی قدرت های امپریالیستی جهان - چه قدرت های غربی و چه چین و روسیه به عنوان قطب رقیب قدرت های امپریالیستی غربی. رفقا هلاله طاهری و شمال علی در روند کنفرانس و بحث های پیرامون این موضوعات شرکت فعال داشتند. در روز ۱۵ ژوئن، رفیق شمال علی در حضور اعضا و حامیان TIR و نمایندگان احزاب شرکت کننده، سخنرانی ایراد کرد و در آن حزب کمونیست کارگری ایران (حکمتیست) و جنبش کمونیسم کارگری را معرفی نمود. وی از حضار و نیروهای چپ حاضر در کنفرانس و همچنین نیروهای چپ در سراسر جهان خواست که در برابر حمله فاشیستی اسرائیل با حمایت مستقیم آمریکا به ایران و جنگ ارتجاعی میان اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران موضع گیری کنند.

رفیق هلاله طاهری نیز در سخنرانی خود به وضعیت ایران و مبارزات جاری کارگران و زنان علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پرداخت.

همچنین، به پیشنهاد هیئت حزب حکمتیست، کنفرانس اعلامیه اعتراضی علیه جنگ اسرائیل و ایالات متحده علیه مردم ایران تصویب کرد.

هیأت حزب در طول کنفرانس روابط دوستی و همبستگی خود را با نیروهای شرکت کننده تقویت نمود.

نیروهایی که در برگزاری و دعوت به این کنفرانس نقش داشتند عبارت بودند از:

آزادی کمونیستی - یونان
حزب کارگران - (PO) آرژانتین
حزب کارگران سوسیالیست - (SEP) ترکیه
حزب کارگران سوسیالیست - (SWP) بریتانیا
جریان انقلابی انترناسیونالیست - (TIR) ایتالیا
حزب مارکسیست لنینیست آلمان - (MLPD) مونیکا گارتنر-انگل،
مسئول امور بین المللی
کمیته جبهه متحد برای یک حزب کارگری - (UFCLP) آمریکا
تریبون طبقه گرا - برزیل



اعدام قتل عمد دولتی است!

دولت‌های تروریست، در جنگ با هم!

امیر عسکری

بامداد جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، با هدف قرار دادن سران سپاه و بخشی از دانشمندان هسته ای جمهوری اسلامی و حذف این بخش، توسط ارتش اسرائیل جنگ مستقیم بین دو دولت تروریست اسرائیل و جمهوری اسلامی، رسماً آغاز شد و اکنون نیز ادامه داشته و نتیجه ای جز کشتار بیش از ۶۰۰ غیر نظامی در ایران و بیش از ۲۰ غیر نظامی در اسرائیل بدنبال نداشته است. این جنگ بخشی از طرح شکست‌خورده مذاکرات جمهوری اسلامی با آمریکا و تکمیل نقشه ارتجاعی "خاورمیانه جدید" است. نقشه ای که زمان جورج بوش مطرح شد. در دور جدید آن از پاکسازی در غزه آغاز و با حمله به لبنان و تغییر رژیم اسد در سوریه ادامه داشته و به ایران رسیده است. اقداماتی که دولت آمریکا در آن نقش محوری ایفا کرده و دولت غربی نیز از آن حمایت کردند.

این جنگ بین دولت‌های فاشیست و سرمایه‌دار جمهوری اسلامی و اسرائیل با کمک و پشتیبانی آمریکا و غرب در پشت پرده، جنگی است مستقیم علیه طبقه کارگر، آزادی‌خواهان و جنبش‌های اجتماعی دو کشور و منطقه به راه افتاده. در یک سوی جنگ جمهوری اسلامی، با کارنامه‌ای از جنایت، سرکوب، اعدام، و تغذیه‌ی تروریسم اسلامی و در سوی دیگر، دولت نتانیاهو است که به جرم جنایت علیه بشریت در غزه محکوم است و دست به نسل‌کشی در غزه زده، باعث کشتار در لبنان شده و دست‌درازی در منطقه را ادامه می‌دهد. هر دو دولت، جنایتکار و تروریستی هستند. این جنگ باید توسط هر انسانی که ذره ای از وجدان و انسانیت دارد محکوم گردد.

همانند سایر جنگ‌های سرمایه‌داری تمامی مصائب بر دوش کارگران و زحمتکشان است. این در حالی است که طبقه حاکم، بحران‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ را به جان جامعه تحمیل می‌کند و خود در امنیت و رفاه می‌ماند.

جنگ طرفین حمله به جنبش‌های آزادی‌خواهی و برابری طلبی و مبارزات سیاسی است جنگی که به وحشی‌ترین شکل ممکن مردم عادی را بیش از جنایتکاران حاکم مجازات می‌کند و دول سرمایه داری جهانی نسبت به آن نه تنها موضعی جدی نمی‌گیرند بلکه از یک سوی آن دفاع می‌کنند، زیرا در کشتار طبقه کارگر دینفع هستند.

جمهوری اسلامی، همیشه در بحبوحه بحران، دست به سرکوب گسترده‌تر زده است. از سال‌ها زندان و اعدام گرفته تا سرکوب اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان. در این جنگ نیز، با پوشش «مبارزه با جاسوسان موساد»، می‌تواند سرکوب داخلی را شدت دهد و جان زندانیان سیاسی نیز در خطر خواهد بود. جنگ، بهانه‌ای است برای خفه‌کردن صدای اعتراض، توقف اعتصابات، و بستن دهان هر منتقدی و جمهوری اسلامی در دهه شصت از آن برای کشتار و نسل‌کشی چپ و کمونیست در جامعه استفاده برده است.

اپوزیسیون راست در راس آن رضا پهلوی و سلطنت‌طلب‌ها تا مجاهدین و ناسیونالیست کرد پشت اسرائیل ایستاده و از نتانیاهو و حمله نظامی حمایت می‌کنند و مثل همیشه منتظرند با بمباران خارجی، قدرت را از بالا به دست بگیرند. این جانوران به رژیم چنج در پس یک جنگ ویرانگر که در آن هزاران نفر کشته شوند به قدرت سیاسی برسند و جان مردم برایشان ابزار معامله است. در این میان طیف چپ پوپولیست هم فقط جمهوری اسلامی را محکوم کرده و به طرف اسرائیل و آمریکا چشمک می‌زنند که شاید در سناریوی رژیم چنج آنها



را هم بازی دهند. در نقطه مقابل محور کثیف مقاومت با پوشش «ضد امپریالیسم»، از جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند. این صف‌بندی‌ها نه به نفع کارگران است، نه آزادی‌خواهان، نه مردم تحت ستم.

ما بعنوان حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، همراه با نیروهای کمونیست و انقلابی دیگر، صراحتاً هر دو سوی جنگ تروریستی، جمهوری اسلامی و اسرائیل، کشتار غیرنظامیان و مردم بیگناه در ایران و اسرائیل را محکوم کردیم. این جنگ، حمله‌ی تروریستی دو دولت سرمایه‌داری به زندگی و آزادی مردم است.

ما خواهان پایان فوری جنگ و آغاز مقاومت وسیع ضدجنگ هستیم. نباید بگذاریم تا توده‌ها، کارگران، زحمتکشان و مردم بیگناه را قربانی جنگ دو دولت تروریستی شوند. باید نهادهای مستقل همیاری، کمک رسانی، همبستگی و اطلاع‌رسانی را توسط فعالین پیشرو و سوسیالیست سازمان دهیم. از معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، فعالین جنبش زنان و آزادی‌خواهان می‌خواهیم که به‌روشنی علیه هر دو جناح این جنگ ارتجاعی ایستاده و ضمن سازماندهی جهت همیاری و همبستگی با مردم آسیب دیده علیه جنگ طلبان صفوف خود را تقویت کنند.

ما می‌دانیم که این جنگ، پاسخی‌ست به رشد اعتراضات اجتماعی، هزاران اعتصاب و اوج‌گیری نفرت توده‌ای از جمهوری اسلامی. باید صف‌بندی کارگری را گسترش داد، علیه شونیسم، علیه تروریسم دولتی و اسلامی، علیه فقر، و علیه حاکمیت سرمایه ایستاد.

نه به جنگ ارتجاعی دولت‌های تروریست!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

برابری بی‌قید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



امیرحسین مرادی به اتهامات واهی «ارتباط با مجاهدین خلق و» افساد فی الارض» بازداشت شده و در سال ۱۴۰۱ به ۱۶ سال حبس محکوم شد. این دو دانشجوی بارها تحت شکنجه جسمی و روانی، از جمله ضرب و شتم و تهدید به اعدام، قرار گرفته‌اند تا اعترافات اجباری کنند.

بازداشت خشونت‌بار امین سعدونی در خیابان‌های شهرستان خوی توسط نیروهای امنیتی

روز سه‌شنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۳، امین سعدونی، ۴۳ ساله و اهل روستای تاریکیش از منطقه قطور شهرستان خوی، در پی یورش ده‌ها تن از مأموران لباس‌شخصی رژیم جمهوری اسلامی، به شیوهای خشن و تحقیرآمیز در یکی از خیابان‌های شهر خوی بازداشت شد.

براساس گزارش‌های رسیده و شهادت شاهدان عینی، مأموران امنیتی در جریان بازداشت این شهروند، وی را به‌طور وحشیانه مورد ضرب و شتم، شکنجه خیابانی و الفاظ رکیک قرار دادند. شدت این رفتار خشونت‌آمیز به حدی بوده که موجب ترس و نگرانی شدید در میان خانواده و مردم منطقه شده است.

با گذشت بیش از ۲۴ ساعت از این بازداشت، همچنان هیچ گونه اطلاعاتی در خصوص محل نگهداری یا اتهامات مطرح شده علیه این شهروند در دست نیست. نهادهای امنیتی نیز از پاسخ‌گویی به خانواده او خودداری می‌کنند.

این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که فضای سرکوب در منطقه کردستان بار دیگر شدت گرفته و بی‌پاسخ ماندن چنین خشونت‌هایی، پرسش‌های جدی درباره وضعیت حقوق بشر در کشور برانگیخته است.

بازداشت بی‌اطلاع و انتقال پنهانی؛ بی‌خبری مطلق از وضعیت یاسین نامجو

یاسین نامجو، فعال سیاسی و از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸، روز یکشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴، توسط نیروهای امنیتی وابسته به اداره اطلاعات گچساران بازداشت شد. بر اساس گزارش‌های رسیده، او بلافاصله پس از بازداشت، بدون هیچ گونه اطلاع رسانی رسمی، به یاسوج منتقل شده است.

با گذشت چند روز از این بازداشت، همچنان هیچ اطلاعات رسمی یا شفاف در مورد دلایل بازداشت، محل نگهداری یا وضعیت فعلی این فعال مدنی در دست نیست. خانواده و نزدیکان او در بی‌خبری مطلق به‌سر می‌پرند و نگرانی‌ها نسبت به سلامت جسمی و روانی او رو به افزایش است.

این بازداشت در شرایطی صورت گرفته که برخوردهای امنیتی با فعالان سیاسی و مدنی در استان کهگیلویه و بویراحمد و به ویژه در شهرهای کوچک‌تر مانند گچساران، مسبوق به سابقه است. تکرار چنین روندی، اعتماد عمومی را نسبت به شفافیت نهادهای مسئول تضعیف کرده و بار دیگر بحث درباره حقوق بازداشت‌شدگان را به صدر گفت‌وگوها بازگردانده است.

بازداشت مجدد توحید امیرامینی توسط نیروهای امنیتی در اردبیل

روز سه‌شنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۴، مأموران امنیتی با یورش

گزارشات مبارزات کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: حیات الماسی و اوین رضایی

موج گسترده بازداشت‌های خودسرانه در پی تشدید تنش‌ها میان ایران و اسرائیل

در پی ادامه تنش‌های نظامی میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، منابع مطلع از داخل کشور از آغاز موج جدیدی از بازداشت‌های خودسرانه توسط نهادهای امنیتی خبر می‌دهند. طی روزهای گذشته، دستکم ۱۵۰ تن از شهروندان در نقاط مختلف ایران با اتهاماتی چون "جاسوسی برای موساد"، "حمایت رسانه‌ای از اسرائیل" و "تشویش اذهان عمومی" بازداشت شده‌اند.

این افراد عمدتاً از میان کاربران شبکه‌های اجتماعی، فعالان رسانه‌ای، شهروندان عادی و برخی چهره‌های فرهنگی هستند که صرفاً به دلیل ابراز نظر یا انتشار محتوا در فضای مجازی هدف اقدامات امنیتی قرار گرفته‌اند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، بسیاری از بازداشت‌ها بدون ارائه حکم قانونی، بدون اطلاع خانواده‌ها و بدون دسترسی به وکیل صورت گرفته‌اند.

در مواردی نیز گفته می‌شود بازداشت‌شدگان تحت فشار برای اعتراف تلویزیونی یا همکاری امنیتی قرار دارند. این روند با استفاده از روش‌هایی مانند نگهداری در سلول انفرادی، تهدید، و محرومیت از حقوق اولیه، نگرانی‌های جدی در مورد نقض گسترده حقوق بشر در ایران را افزایش داده است.

در کنار این بازداشت‌ها، گزارش‌هایی درباره صدور احکام سنگین از جمله اعدام برای برخی از زندانیان سیاسی و عقیدتی منتشر شده که فضای ناامنی و اضطراب را در میان خانواده‌های زندانیان افزایش داده است.

بازداشت کوتاه‌مدت ۱۸ دختر نوجوان در مهاباد به دلیل فعالیت در شبکه‌های اجتماعی

روز سه‌شنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۴، مأموران اداره اطلاعات مهاباد دستکم ۱۸ دختر زیر ۱۸ سال را به اتهام انتشار مطالبی مرتبط با جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی بازداشت کردند. این نوجوانان پس از چند ساعت بازجویی و تشکیل پرونده قضایی، با قرار وثیقه به‌صورت موقت آزاد شدند.

ربایش علی یونسی از زندان اوین به مکانی نامعلوم
آیدا یونسی، خواهر علی یونسی، دانشجوی نخبه دانشگاه شریف و زندانی سیاسی، روز چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۴ در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که مزدوران وزارت اطلاعات برادرش را به زور از بند ۴ زندان اوین ربوده و به مکانی نامعلوم منتقل کرده‌اند.

او با ابراز نگرانی شدید نوشت: «مادرم از نگرانی حالش متشنج است. نمی‌دانیم علی را کجا برده‌اند.»

آیدا این اقدام را وقاحت و نشانه‌ای از خشم و عقده رژیم علیه زندانیان سیاسی توصیف کرد.

علی یونسی، برنده مدال طلای المپیاد جهانی نجوم و دانشجوی مهندسی کامپیوتر دانشگاه شریف، از فروردین ۱۳۹۹ به همراه



گزارشات مبارزات کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی...

به منزل پدری توحید امیرامینی، فعال ملی مدنی و زندانی سیاسی پیشین، بدون ارائه حکم قضایی او را بازداشت و به بازداشتگاه یکی از نهادهای امنیتی در استان اردبیل منتقل کردند. مأموران پس از ورود با لباس شخصی و بالا رفتن از دیوار منزل، وسایلی از جمله تلفن همراه او را نیز توقیف کردند.

با وجود پیگیری‌های خانواده، هنوز اطلاعی از محل نگهداری و اتهامات مطرح‌شده علیه وی در دست نیست.

امیرامینی پیش‌تر نیز سابقه چندین بار بازداشت، محاکمه و زندان دارد. او در سال ۱۳۹۸ به اتهام «اجتماع و تبانی» به ۷ سال و نیم حبس محکوم شد. با کاهش محکومیت، بخشی از حکم را تحمل کرد و در بهمن ۱۴۰۱ آزاد شد. او در دی‌ماه ۱۴۰۳ برای تفهیم اتهام مجدد به دادرسی اردبیل احضار شده بود و پرونده‌اش به دادگاه انقلاب ارجاع داده شده بود.

بازداشت مجدد این فعال مدنی در ادامه روند فشار و سرکوب صدای منتقدان و فعالان مدنی در ایران صورت گرفته است.

صدور حکم اعدام برای سه متهم نوجوان در زاهدان

سه متهم نوجوان اهل سیستان و بلوچستان، محمد درویش نارویی، یاسین کبدانی و بنیامین کوهکن (متولد ۱۳۸۶)، از سوی دادگاه کذایی زاهدان به اتهام محاربه و افساد فی‌الارض به اعدام محکوم شدند.

جلسه دادرسی این سه نفر روز ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ در دادگاه فرمایشی زاهدان برگزار شد و پس از صدور حکم، به بند قرنطینه زندان مرکزی زاهدان بازگردانده شدند. آن‌ها همچنان از تماس با خانواده محروم‌اند.

یاسین کبدانی پیش‌تر در مهر ۱۴۰۲ به‌دلیل حضور در اعتراضات زاهدان بازداشت و به ۱۵ سال حبس محکوم شده بود. بنیامین کوهکن، نوجوان ۱۶ ساله، و محمددرویش نارویی نیز در دی ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات دستگیر شدند.

محروم سازی این متهمان از وکیل و حقوق اولیه در روند بازداشت و دادرسی، نقض صریح اصول دادرسی منصفانه و مغایر با ماده ۹ و ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون آیین دادرسی کیفری خود رژیم اسلامی است.

محکومیت سهیلا مطاعی، فعال زن در دهگلان به حبس تعزیری و تعلیقی

سهیلا مطاعی، فعال مدنی حوزه حقوق زنان و از بازداشت‌شدگان تجمع هشت مارس امسال در دهگلان که در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ نیز فعال بوده، از سوی دستگاه قضایی به سه ماه حبس تعزیری و سه سال زندان تعلیقی محکوم شده است.

نت بلاکس، اینترنت در ایران بطور کامل قطع است

"نت بلاکس" که وضعیت دسترسی به اینترنت در جهان را رصد می‌کند، روز ۲۸ خرداد نوشت: داده‌های زنده نشان می‌دهد که اینترنت سراسری در ایران تقریباً به‌طور کامل قطع شده است. این اتفاق پس از چندین اختلال جزئی قبلی رخ داده و در جریان تنش‌های نظامی با اسرائیل پس از چند روز حملات موشکی متقابل اتفاق افتاده است.

نامه سه زندانی سیاسی زندان اوین خطاب به مردم

با درود به شما مردم ستم دیده و حق طلب

ما زندانیان سیاسی بند زنان زندان اوین ضمن محکوم کردن جنگ ویرانگر دولت‌های سرمایه‌جهت اعمال سیاست‌های ضد انسانی و حفظ منافع و قدرتشان یادآوری می‌کنیم نه تنها کوچکترین منافعی نصیب مردم نخواهد شد بلکه قربانیان اصلی چنین جنگ‌هایی مردم خواهند بود که کوچکترین نقشی در به وجود آوردن جنگ‌ها ندارند. بدون شک مردم ایران و دیگر کشورها خواهان جنگ نیستند. چراکه جنگ‌های خائمانسوز و ویرانگر تحمیلی حکومت‌ها، هستی و جان هزاران انسان بی دفاع و بی پناه را خواهد گرفت و زندگیشان را به قهقرا می‌کشاند.

ما زندانیان سیاسی به عنوان گروگان‌های حکومتی در زندان‌های شهرهای ایران بدون هیچ امکان دفاع از خود پشت دربهای آهنین متعدد در اسارتیم. اما با توجه به شرایط ویژه‌ای که بر ما تحمیل شده با تمام وجود از صمیم قلب نگران شما مردم عزیز و آزادی‌خواه و انقلابی ایران هستیم.

ما خواهان هرچه سریع‌تر خاتمه دادن به جنگ تحمیلی بر مردم هستیم و از شما مردم عزیز می‌خواهیم در مقابل جنگ طلبان قدرت و حاکمان با نیروی مردمی و حضور خود خواهان اتمام جنگ شوید.

ناهید خداجو

نسرین خضری جواد

آی‌شا اسداللهی

کشتار

غیرنظامیان را متوقف کنید!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمت
Worker-communist Party of Iran - Hekmati

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk



تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

ادامه در صفحه ۲۱

زنده باد شوراهای!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در
کارخانه ها و محلات شوراهای را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه
و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

همکار سردبیر وریا روشنفکر

voryaroushanfekr@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر
میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv>

زنده باد سوسیالیسم!